

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری انجمن‌ها و احزاب سیاسی در مشروطه گیلان انجمن عباسی - اجتماعيون عاميون

علیرضا زادبر*

جلال درخشه**، مجتبی مقصدی***

چکیده

انجمن‌ها و احزاب مشروطه خواه گیلان با بسیج عمومی و عزیمت به سمت پایتخت با هدف فتح تهران و حذف استبداد در فرآیند بازگشت مشروطیت نقش اساسی ایفا کردند. از میان احزاب متعدد دو مورد برجستگی دارند: انجمن عباسی، اجتماعيون عاميون. در اوج خفقان سردار افخم حاکم گیلان این احزاب و انجمن‌ها توانستند با اشتراک منافع و سازمان دهی با دهقانان در رهایی از استبداد نقش آفرینی کنند. این مقاله بر آن است تا مدل کنش‌گری این تشکل‌ها را مورد بررسی قرار دهد. چهارچوب نظری مقاله، مبتنی بر نظریه بسیج منابع چارلز تیلی است که دو متغیر منافع و سازمان در آن بعنوان ملاک رفتارشناسی مرکزیت دارند. این پژوهش در جستجوی پاسخ به این سوال است که فرآیند بسیج منابع احزاب در مشروطه گیلان براساس دو متغیر منافع و سازمان چگونه است و چرا نسبت به سایر مناطق پیش‌تازانه دست به اقدام فعالانه زدند. یافته‌های این تحقیق با روش تاریخی-تحلیلی و گردآوری

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، zadbar86@gmail.com

** استاد گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، j.dorakshah@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، maghsoodi42@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴



کتابخانه‌ای حاکی از آن است این احزاب با الگوبرداری از جریان‌های فکری همسایه شمالی ایران، ایجاد ارتباط با شورش دهقانی گیلان، سازمان دهی و منافع مشترک توانستند مقدمات سقوط نماینده محمدعلی شاه را فراهم و به سمت تهران لشکرکشی کنند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطه، بسیج منابع، مشروطه گیلان، انجمن، کمیته، احزاب.

۱. مقدمه و بیان مسئله

مجاهدین گیلان در تاریخ مشروطه پس از تهران و آذربایجان، کنشگری فعالانه و اثرگذاری در سطح ملی دارند. برجسته‌ترین جلوه این نقش آفرینی در جریان عزیمت به پایتخت و فتح تهران به همراه بختیاری‌های اصفهان قابل رصد و ردیابی است. کودتا علیه سردار افخم بالاخان حاکم منصوب محمدعلی شاه در گیلان که پس از تساهل ظهیرالدوله نسبت به جریان‌های مشروطه خواه در این استان به قدرت دست یافت تا مشروطیت را در گیلان سرکوب کند مقدمه لشکرکشی مجاهدین به فرماندهی سپهدار تنکابنی را فراهم آورد. این فرآیند قیام، کودتا علیه سردار افخم، کسب قدرت و عزیمت به سمت پایتخت با هدف برکنار ساختن استبداد صغیر محمدعلی شاه محتاج مطالعه نقش آفرینی احزاب، کمیته‌ها و انجمن‌های فعال در گیلان می‌باشد. همزمان با تهران به عنوان مرکز و پدیدآورنده جنبش مشروطه در گیلان احزاب، انجمن‌ها و محافل فکری سیاسی متعددی شکل گرفت. در این مقاله در یک دسته‌بندی از جهت پیش زمینه فرهنگی و فکری سه انجمن و حزب فعال در مشروطه گیلان مورد نظر است: انجمن عباسی و اجتماعيون عاميون. هر سه انجمن و حزب مورد مطالعه از جهت خاستگاه فکری، فرهنگی، نیروهای اجتماعی و حوزه اثرگذاری شباهت‌ها، هم‌افزایی و تفاوت‌هایی دارند اما آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است تحلیل فرآیند کنشگری آنان براساس نظریه بسیج منابع چارلز تیلی می‌باشد.

در فرآیند کنش جمعی و نقش آفرینی جامعه براساس مدل بسیج منابع، مردم و جمعیت سیاسی براساس عناصری نظیر هویت مشترک و منافع جمعی دست به اقدام می‌زنند و در وضعیت انقلابی از خود واکنش نشان می‌دهد. این فرآیند نیازمند بستری به نام سازمان‌دهی است. اهمیت سازمان از آنجاست که بخش عمده کنش (نه همه آن) توسط گروه‌ها از آن طریق صورت می‌گیرد و از همین‌رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است. نشان دادن این سازمان دهی در بستر احزاب و انجمن‌های مشروطه خواه می‌تواند الگو رفتاری و کنشگری آنان را تبیین نماید.

در دیدگاه تیلی سازمان دهی بسیج منابع در خلا صورت نمی پذیرد. منافع مشترک و هویت جمعی در فرآیند بسیج کنندگی نیازمند بستر وقوع می باشند. مهمترین بستر سازمان دهی بسیج منابع در مشروطه گیلان احزاب، انجمن ها و کمیته های فعال می باشند. این کمیته ها و احزاب در مسیر ایجاد بسیج از سایر پتانسیل ها بهره بردند که مهمترین آنها ارتباط با قیام دهقانی در گیلان است. جنبه دیگر که این احزاب و کمیته ها از آن اثر پذیرفتند ارتباط فکری و مبارزاتی با روسیه است. به عبارت دیگر در مقاله حاضر ضمن پرداختن به فرایند بسیج منابع توسط انجمن ها و احزاب روی سه تشکل کمیته ستار، انجمن عباسی و حزب اجتماعیون عامیون گیلان متمرکز خواهیم بود. نقش این سه تشکل فعال در سقوط استبداد در رشت و سپس حرکت به سمت تهران با هدف احیای مشروطیت در ایران بسیار اهمیت دارد. بنابراین بررسی و واکاوی الگوی کنشگری احزاب و انجمن های مشروطه خواه براساس مدل بسیج منابع که دو عنصر اساسی منافع و سازمان دهی را ملاک قرار می دهد می تواند این حرکت را از زاویه جامعه شناختی مورد تحلیل قرار دهد. ارائه مدل رفتاری احزاب و تشکل ها و پرهیز از روایت‌گری صرف تاریخی برای توصیف وقایع مهمترین تلاش پژوهش حاضر است.

۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با مشروطه گیلان پژوهش های متعددی صورت گرفته است. عمده این آثار با رویکرد توصیفی و دور از نظریه محور بودن تلاش داشته اند به بیان وقایع و رخدادها بپردازند. در میان این آثار یک عنوان توجه به احزاب و تشکل ها در گیلان عصر مشروطه است. در واقع ذیل یک موضوع کلان دیگر به احزاب، انجمن ها و کمیته ها اشاره نموده اند. مقاله جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه، پژوهش نامه تاریخ های محلی ایران (۱۳۹۵). با بررسی روزنامه های عصر مشروطه به روش توصیفی - تحلیلی اقدامات دهقانان گیلانی در برابر اربابان و صاحبان قدرت را مورد توجه قرار داده است. کنش هایی نظیر پرداختن بهره مالکانه، زد و خورد و درگیری با مالکان، اخراج آنان از روستاها و تشکیل انجمن روستایی از مهم ترین اقدامات جنبش دهقانی گیلان برشمرده شده است. در این مقاله نویسندگان اعظم اسماعیل زاده و علی رضا علی صوفی به انجمن ها و احزاب سیاسی مشروطه خواه گیلان به عنوان عناصر یاری دهنده جنبش دهقانی اشاره می کند. یاسر کریمی هم (۱۳۹۶) در مقاله نقش کارگران مهاجر گیلانی در انتقال افکار سوسیال دمکراسی قفقاز در انقلاب مشروطه به مسیریابی ورود افکار انقلابی از همسایه شمالی پرداخته است.

گیلان که مرکز عمده ی تجارت ایران با قفقاز و روسیه بود و اقلام آن از قفقاز به اروپا صادر می شد، بیشترین تاثیر را از ورود افکار جدید پذیرا گردید. این اثرپذیری در قالب فعالیت اجتماعیون عامیون و حتی ارتباط کریم خان رشتی در شکل گیری و جهت دهی به کمیته ستار اهمیت دارد. هومن یوسف دهی در کتاب انجمن های گیلان در عصر مشروطه (۱۳۸۷) در قالب گزارش توصیفی صرفا تعداد احزاب، انجمن ها و تشکل ها را برشمرده است. تلاش این اثر فشرده فقط معرفی شناسنامه ای انجمن هاست. در عموم تحقیق ها و آثار صورت گرفته در زمینه نقش آفرینی انجمن ها و احزاب مشروطه خواه گیلان این موضوع بعنوان یک مساله فرعی تحت تاثیر سایر موضوعات اصلی معرفی و به آن پرداخته شده است، با این تاکید و تمرکز که بیشتر بر روی اشخاص و نخبگان سیاسی تمرکز بوده وجود داشته است. از طرف دیگر سایر آثار نیز متکی بر بیان وقایع به روایتگری تاریخی و شرح رخدادها پرداخته اند. تاکنون پژوهشی نظریه محور که تلاش داشته باشد با مبنا قرار دادن یک چارچوب مفهومی مدل کنشگری فعالانه احزاب و انجمن های مشروطه خواه را ترسیم نماید صورت نگرفته است. تلاش و تمایز مقاله حاضر نیز بر این است تا با رویکرد نظریه محور الگوی کنشگری را تبیین نماید

۳. مفاهیم اصلی

۱.۳ بسیج منابع

بسیج فرایندی است که به واسطه ی آن، گروهی از حالت مجموعه ی منفعلی از افراد به مشارکت کننده ی فعال در زندگی عمومی تبدیل می شوند. بسیج منابع نیز به معنی تلاش برای دستیابی و بهره گیری از تمام منابعی است که می تواند در جهت پیشبرد عمل جمعی و تحقق اهداف گروه، موثر باشد. منابع می تواند شامل منابع اجبار و تهدید، امکانات مالی، شبکه‌های ارتباطی و اطلاع رسانی و حتی منابع هنجاری و ارزشی مانند تعهد، وفاداری و احساس تکلیف باشد. کنش جمعی به اقدام مشترک اعضای یک گروه مدعی، برای رسیدن به هدف یا اهدافی مشترک، گفته می شود و تابعی است از منافع مشترک، میزان انسجام و سازمان یافتگی گروه، احساس هویت مشترک و تعهد و وفاداری اعضای گروه نسبت به یکدیگر، و البته میزان منابع در اختیار گروه (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴، ۱۰۵ و ۱۲۸).

۲.۳ منافع مشترک

در هر حرکت اجتماعی عمومی که وجه سراسری پیدا می‌کند منافع جمعی وجود دارد و برآوردن منافع فردی نقش مهمی در تامین منافع جمعی ایفا می‌کند. باید با نکته سنجی هر چه تمام‌تر، تعارض میان منافع فردی و جمعی را متغیری بدانیم که بر احتمال و ماهیت کنش جمعی تاثیر می‌گذارد. باید میزان این تعارض را به شکل دقیق‌تر به عنوان افزایش هزینه‌ی کنش متفکران نظریه‌ی بسیج منابع فرایند وقوع جنبش انقلابی را در یک جامعه و مجموعه علل و عواملی را که سبب می‌شود یک حرکت جمعی اولیه در درون یک جمعیت روز به روز توسعه یافته‌تر شود و در نهایت به یک بسیج فراگیر علیه رژیم تا سرنگونی آن منجر شود ارزیابی و بررسی می‌کنند (فرهادی، ۱۳۹۲: ۵۲). به بیان دیگر منظور تیلی از منافع، آن دسته از امتیازات و خروجی‌هایی است که حاصل کنش و عملکرد یک جمعیت می‌باشد که نتیجه آن به جمعیت برمی‌گردد.

۴. روش تحقیق

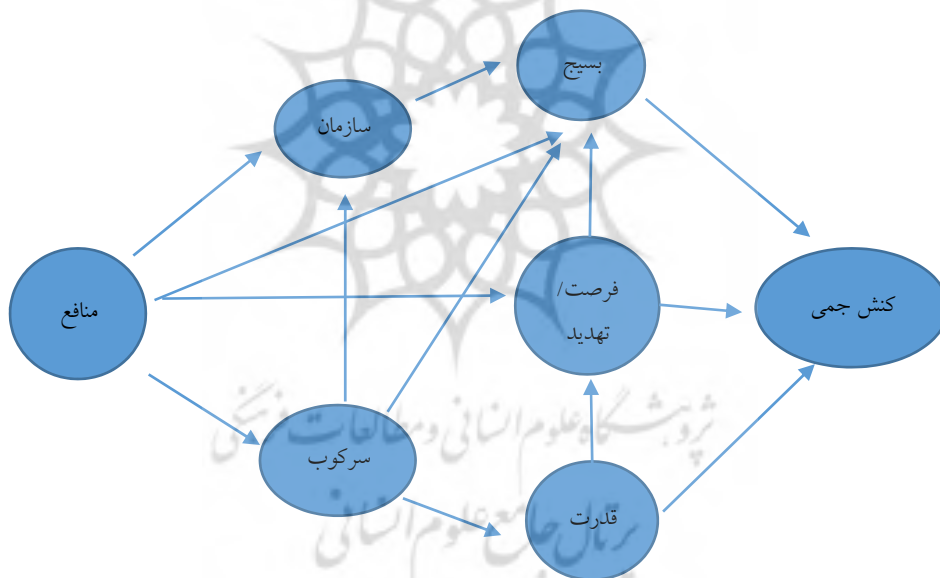
بطور کلی دانش ما از گذشته براساس مدارک و اسناد است. در این تحقیق تاریخی نیز به دنبال دلالت‌کننده‌های غیرقابل مشاهده و غیرعینی هستیم. بر همین اساس مبنای پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی (اسناد و آرشیو مطبوعات، فصلنامه‌ها، خاطرات شخصی) بهره‌برده شده است. ابزار مورد استفاده نیز فیش برداری می‌باشد.

۵. مبانی و چهارچوب نظری

مدل نظری پژوهش حاضر نظریه بسیج منابع چارلز تیلی است. هسته مرکزی نظرات و پیش‌فرض تیلی ارتباط بین بسیج و کنش جمعی در فهم چگونگی شکل‌گیری انقلاب‌هاست. به این معنا که هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان مدعی بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود. علاوه بر این، قدرت آن افزایش می‌یابد همچنین منابعی که هزینه می‌کند، کمتر شده و به نتیجه بیشتری دست می‌یابد. به عقیده وی، «عناصر عمده تعیین‌کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت / تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۵) تیلی قبل

از هر چیز به این مسئله توجه دارد که چگونه منابع به وسیله جنبش‌های اجتماعی برای حل نارضایتی‌های جمعی بسیج می‌گردند.

بسیج منابع در ابتدا برای تحلیل انتخاب‌های فردی و سازمان جنبش‌های اجتماعی مطرح شد اما اکنون کسانی که روی این نظریه کار می‌کنند به گونه‌ای فزاینده به ایجاد هویت‌های جمعی و به چالش کشیدن رویدادها و مسائل اجتماعی توجه نشان می‌دهند (نش، ۱۳۹۳: ۱۳۰). انقلاب نوعی اعمال خشونت سیاسی سازمان یافته، آگاهانه و هدفمند از سوی گروه‌های محروم و معترض علیه نظام است (Taylor, 1984: 130). جهت فهم حرکت توده با در نظر گرفتن یک مدل به مطالعه آن پرداخت. مدل بسیج منابع تیلی از چهار متغیر اصلی جهت ارزیابی و تشخیص روش بسیج نیروها در جنبش‌ها و انقلاب‌ها تشکیل می‌گردد. آن چهار متغیر عبارت‌اند از منافع، سازمان، بسیج، کنش جمعی و فرصت. در الگوی تیلی از منابع بسیج عنصر فرصت از سه بخش متشکل شده است: سرکوب، قدرت، تهدید



الگوی شماره سه: مدل بسیج منابع (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۹).

آنچه در مقاله حاضر برای تشخیص و رصد نظری مدل رفتاری احزاب و انجمن‌ها اهمیت دارد توجه به عنصر منافع و سازمان دهی است. در مدل تیلی، منافع بعنوان متغیر مستقل

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۲۳

عمل می‌کند که بصورت مستقیم بر سایر متغیرها اثر گذار است. او دو مبنا برای تعیین منافع بیان می‌دارد:

۱- منافع را از اظهارات و کنش‌های جمعیت استنتاج کرد.

۲- آن را از تحلیل کلی روابط میان منافع و موقعیت اجتماعی استنباط کرد (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۵).

اهمیت سازمان از آنجاست که بخش عمده کنش (نه همه آن) توسط گروه‌ها از آن طریق صورت می‌گیرد و از همین‌رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است (Olson، ۲۰۰۲، ۱۲۵). به بیان دیگر هر چه سازماندهی مخالفین در یک انقلاب بیشتر باشد، بسیج منابع بیشتری در آن حرکت صورت می‌گیرد. سازماندهی مخالفین از طریق بسیج منابع موجب افزایش قدرت انقلابیون می‌شود و از طرفی دیگر از طریق سازمان‌پاشی و بسیج‌زدایی، فروگاهی قدرت رژیم را سبب می‌گردد. در نهایت، این سازمان‌دهی و بسیج‌کنندگی منابع زمینه‌ساز انتقال قدرت و وقوع انقلاب می‌شود. اشتراک هویت و قدرت ساختارهای متحدکننده میزان سازمان‌یافتگی یک گروه را تعیین می‌کند. سازمان باعث ارتقاء بسیج می‌شود. یعنی هر چه گروه سازمان‌یافته‌تر باشد، بسیج منابع آن گروه و به تبع آن، امکان دست‌یابی به قدرت افزایش می‌یابد (همان، ۹۷).

۶. مختصات و فرآیند بسیج منابع احزاب و انجمن‌های مشروطه‌خواه گیلان

۱.۶ تاریخچه و مواضع انجمن عباسی

یک جنبش اجتماعی ای شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین افراد گروه‌ها و یا سازمان‌هاست که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخوردی سیاسی یا فرهنگی درگیرند. (۱۳ ۱۹۹۲ Diani). منطقه‌ی گیلان در دوره‌ی مشروطیت درصد گذار از مرحله‌ی حرکت گروهی سنتی و اشتراکی به سوی حرکت‌های گروهی و انجمنی بود از این رو شاهد آن هستیم که هم حمایت‌کنندگان وضع موجود و هم معترضین شرایط موجود درصدد تشکیل انجمن برای رسیدن به اهداف خود بودند. این انجمن‌ها نقش مؤثری در تحولات سیاسی عصر مشروطه و حتی پس از آن ایفا کردند، لیکن اهداف و فعالیت آنها متفاوت بود.

انجمن ابوالفضل را گروهی کاسب و پیشه‌ور، چند ماه پس از تشکیل شعبه اجتماعیون رشت، تأسیس کردند. آن‌ها هنگامی به این کار پرداختند که احساس کردند قدرت سیاسی در منطقه به سود حکومتگران پیشین چرخیده است. مجلس شورای ملی گیلان را ایالت ندانسته،

بلکه ولایت شناخته بود. از آن پس، به موجب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی، انجمن های شهری و روستایی گیلان موقعیت قانونی خود را از دست دادند و فعالیت شان پایان گرفت. انجمن ولایتی گیلان نیز به دست کسانی افتاد که مقرراتی به زبان رعایای سرکش منطقه و به سود ملاکان وضع کردند. در این موقع کسانی که مخالف نخبگان منطقه بودند و از دهقانان پشتیبانی می کردند، گرد هم آمدند و انجمن ابوالفضل را برپا ساختند. نارضایتی اقتصادی و اجتماعی جامعه گیلان، تاثیر مستقیمی بر شکل گیری انجمن های سیاسی شهری گیلان داشت. انجمن ابوالفضل یا عباسی در واقع شاخه ای از فرقه مجاهدین رشت بود که تعداد آنان را پانصد تن ذکر کردند. (آدمیت: ۱۳۵۵: ۴۷۱) اقدامات انجمن عباسی در چنین فضایی تا بدان حد رشد کرده بود که حتی مجلس تهران نیز دهقانان را به خاطر عدم پرداخت سهم مالکانه محکوم نمود و هشدار داد در صورت مقروض بودن، دهقانان پيله ی ابریشم خود را می باید تحویل مالکان دهند؛ و انجمن رشت تحکم می نمود که: رعیت را وادارید «مشغول رعیتی خود باشند، مال الاجاره شان را به ارباب ملک بدهند که اگر تقاعد ورزند، حکومت اقدامات تندی خواهد کرد.» (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۱۴) هم راه به جایی نبرد. دهقان دلگرم و امیدوار شده بود و در نتیجه (فاخته، ۱۳۷۱: ۲۴۲) در فومن «صادق الرعایا» مالک ثروتمند منطقه را در املاک خود به قتل رساندند. (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۲۲) در روستاهای گیلان مأمورین حکومتی و نوکرهای مالکین را به چوب می بستند و آن ها مجبور به فرار می شدند. ملاک فومن «حاجی سیدرضی» به سبب تهدید روستاییان عازم تهران شد. (رابینو، ۱۳۶۸: ۳) اعتصاب دهقانان در رشت به اخراج زمین داران و مباحران از روستاها انجامید و عده ای از مالکان به خاطر اخذ سهم مالکانه کتک خوردند و از روستاها اخراج شدند. در تالش مردم اموال سرقت شده از امین السلطنه را فروختند. در اسالم و کرگانرود دهقانان خان تالش، برنج او را تصاحب کرده و فروختند. در مجموع روحیه ی طالش ها و برخورد آنان نسبت به خان های موروثی خودشان خصمانه گزارش شده است. (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۳۴) حدود پانصد دهقان در مسجد خواهر امام رشت علیه زمین داران بست نشستند و اعلام کردند که دیگر مال الاجاره نمی دهیم. در لنگرود و لاهیجان، هیجان عمومی بالا گرفت و رعایا را از پرداخت مال الاجاره منع می کردند... چند نفر که از سوی انجمن رشت به تولم فرستاده شده بودند که به دهقانان توصیه کنند که مال الاجاره ی خود را بپردازند؛ در جمعه بازار رعایا جلوشان را گرفتند و به شدت کتکشان زدند... اهالی کرگانرود خانه ی ارفع السلطنه را به غارت کشیدند و آتش زدند و... (رابینو، همان: ۱۱-۱۹)

آفاری درباره نقش انجمن عباسی می‌گوید: انجمن عباسی به صورت یک تشکیلات مذهبی - سنتی عمل می‌کرد و در مواقعی در خیابان‌ها مراسم عزاداری راه می‌انداخت. اما طبق گزارش‌های حاکم گیلان و عده‌ای دیگر، انجمن عباسی سازمانی کاملاً سیاسی و انقلابی بود که الغای مالیاتها و عوارض حکومتی را تقاضا می‌کرد و انجمن رشت را به تقلب در انتخابات مهم می‌نمود، دهقانان را بر می‌انگیخت که سهم مالکانه را نپردازند و در روز روشن انبارهای غله تاجران خارجی و بومی را در انزلی مصادره می‌کرد. عده‌ای از اعضای انجمن هم با اعطای هدایا به صورت مواد غذایی و بیگاری دهقانان در سراسر سال، مخالفت نمودند. چند عضو انجمن از تعهدات ناعادلانه سخن راندند و گفتند که چرا مالک باید بتواند ملک خود را با قیمت‌های گران به زارعان اجاره کار بدهد چرا دهقانان مجبورند با تقدیم برنج مرغوب خود دیون خود را به مالک بپردازند.

حسام الاسلام (نماینده ی گیلان در مجلس در همان روزگار سرگردانی و سرگرانی مردم روستاها؛ انجمن عباسی (از انجمن‌های فعال رشت) را محرک سرکشی‌های دهقانان گیلانی معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد که : «مجلس ملی نخواهد گذاشت، رعایا حق مالکین را بخورند!» (رابینو، ۱۳۶۸ : ۵۵) حسام الاسلام یعنی یکی از نمایندگان مجلس از گیلان که میانه‌ای چندانی با مشروطه نداشت و آن زمان از تهران به گیلان آمده و در یکی از مساجد در رشت به منبر رفته بود در نطقی علیه انجمن عباسی (انجمن ابوالفضل) گفت : انجمن عباسی باعث تمام فتنه ی گیلان شده است. یک نفر از مستمعین که در آنجا حاضر بود بلند شد گفت: نمی‌گذاریم مالکین ظلم به رعایت کنند. حسام الاسلام جواب داد که مجلس ملی نخواهد گذاشت رعایا مال مالکین را بخورند (همان : ۳۳). به گزارش رابینو، انجمن ابوالفضل در پیرامون شهر چهارده شعبه به راه انداخت و در حدود پانصد عضو پیدا کرد. این انجمن بر جنبش رعایای گیلان اثر گذاشت و به صورت مدافع حقوق دهقانان در برابر زمین‌داران بزرگ درآمد. حکومتگران و مالکان نیز تمامی آشوب منطقه را به گردن رهبران همین انجمن انداختند. درحقیقت، ضعف اجتماعیون رشت و فرصت طلبی برخی از رهبران آن موجب شد که رهبری مبارزه سیاسی و اجتماعی به دست انجمن ابوالفضل بیفتد (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

در اواخر سپتامبر (دهه ی اول مهرماه) ، انجمن عباسی که رهبری آن را گروهی از اعضای انجمن قدیمی رشت نظیر رحیم آقا شیشه بر و سیدجلال شهر آشوب به عهده داشتند، در تلگراف خانه ی رشت، بست نشسته و خواهان برکناری وزیر اکرم حاکم گیلان شدند. رابینو در یادداشت‌های اوایل اکتبر در (اوایل دهه ی دوم مهر ماه) خود نوشت: تلگراف از

طهران رسید، وزیر اکرم معزول، وزیر اعظم منصوب...). به نظر می‌رسید که محمد علی شاه از اقدامات مسالمت‌آمیز وزیر اکرم منتخب (امین السلطان) با انجمن‌ها هم‌رازی نبود (همان‌گونه که وزیر مختار انگلیس هم او را بی‌کفایت می‌نامید ولی انجمن‌های رشت قادر به درک این موضوع نبودند) و منتظر فرصت بود تا کسی را به گیلان بفرستد که بتواند با انجمن‌های رشت و به طور کلی با مشروطه‌خواهان برخورد شدیدتری داشته باشد. در واقع محمد علی شاه پس از مرگ امین السلطان، حامی امیر اکرم، موقع را غنیمت شمرده بود. این واقعتاً در همان نخستین روز حکومت امیر اعظم جانشین امیر اکرم به گیلان مشخص شد. وقتی امیر اعظم وارد رشت شد: شاهدین یک چیزی به امیر اعظم خواندند، بعد جواب داد که من از شما تکلیف نمی‌خواهم، من کار خود را می‌دانم و امیدوارم به رضایت خدا و رسول اکرم حکومت کنم و اگر انجمن‌ها تجاوز بکنند آنها را در تحت قانون خواهم آورد (رایینو، ۱۳۶۸: ۳۲) اولین اقدام این بود که سید جلال توسط امیر اعظم به دارالحکومه احضار شد ولی او ابتدا به این احضار وقعی نگذاشت، اما چند روز بعد، با ۵۰۰ نفر اعضای انجمن عباسی به دارالحکومه آمد. حاکم بدو گفت می‌دانم که در سال گذشته باعث تمام شلوغی گیلان شدی. اگر باز هم از تو شکایت کنند، تو را چوب خواهم زد. اما اگر می‌خواهی کمک برای امنیت کنی ماموریت به تو خواهم داد و همچنین شما را جزو نوکرهای حکومتی محسوب خواهم داشت... سید [جلال] شهر آشوب که چند روز قبل چوب خورده بود پیغام به امیر اعظم داد من تو را میکشم. امیر اعظم جواب داد که برای تو دست باقی نخواهم گذاشت که تو مرا بکشی (همان: ۳۲ - ۳۴) در یادداشت‌های آبان ماه رایینو آمده است که اعضای برجسته‌ی انجمن عباسی دستگیر و زندانی شدند: به حکم ایالت [امیر اعظم] رحیم شیشه‌بر، سیدجلال شهرآشوب و محمد اروسی دوز، فرشباشی انجمن عباسی و میرزا ابوالقاسم افصح المتکلمین [مدیر روزنامه‌ی خیرالکلام] را که در باب قونسولخانه روس در جدیده‌ی بعضی چیزها نوشته بود چوب زدند و حبس کردند (همان: ۳۴)

مهم‌ترین اقدام انجمن هم زمان با اعتراض، تحصن و تعطیلی بازار رشت از روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۶ هـ ش (۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ ق) در اعتراض به نرسیدن نظام‌نامه‌ی انتخاباتی، تاخیر در تصویب قانون اساسی و انتصاب ظفر السلطنه به حکمرانی گیلان بود. در ۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۶ هـ ش خبر تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی به رشت رسید. بازار باز شدند و رعایا و سوارانی که از کسما و فومن و اسالم و دیگر نقاط به رشت آمده بودند، به تدریج به خانه‌های خود بازگشتند.

با اختلافات بوجود آمده در اجتماعيون، انجمن عباسی ابتکار عمل را بدست گرفت. ترکیب ناهمگون بر کارکرد اجتماعيون رشت اثر می‌نهاد. درگیری بر سر رهبری گروه نیز از توان آن‌ها می‌کاست. مبارزه درون شعبه بین دو گروه جریان داشت. یک گروه از معاون الرعایای رشتی پشتیبانی می‌کرد، دیگری معزالسلطان. اختلاف درونی اجازه نداد که شعبه رشت انسجام بگیرد و آن را در عمل به دو دسته تقسیم کرد. هر چند اجتماعيون چند شعبه پیرامون شهر دایر کردند، اما نابسامانی‌هایی که برشمرديم، نگذاشتند که اجتماعيون رشت جنبش سیاسی منطقه را به نحوی مؤثر هدایت کنند. در نتیجه ابتکار عمل به دست گروه مبارز دیگری افتاد که «انجمن ابوالفضل» (یا عباسی) را سازمان داده بود (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

۲.۶ اجتماعيون عاميون

دو حزب و کمیته دیگر که در کنار انجمن عباسی در مشروطه گیلان با مدل بسیج منابع در قالب شورش، اعتراض و در نهایت قتل و کودتا علیه سردار افخم مقدمات لشکرکشی به تهران و احیا مشروطیت را فراهم نمودند، حزب اجتماعيون عاميون و کمیته ستار است. هر دو تشکل از تحولات فکری و ابزاری نظیر انتقال سلاح از قفقاز به ایران بهره برده، اولی بیشتر متأثر از مباحث فکری و دومی بیشتر متأثر از روش مبارزاتی همسایه شمالی یعنی روسیه بوده‌اند. بررسی مدل فرآیند سیاسی مدنظر تیلی بدون درک اثرپذیری مثبت و منفی از روسیه ممکن نخواهد بود. وجه مثبت اثرپذیری از روسیه بعنوان یک پایگاه فکری و مبارزاتی که عموم مهاجران گیلانی مشغول به کار در قفقاز را تحت شعاع قرار داد در اینجا مدنظر است. این اثرگذاری صرفاً در سطح مردم و به شکل اندیشه برای توسعه فرهنگ سیاسی نبود بلکه نخبگان سیاسی و مبارز کمیته ستار مشخصاً میرزا کریم خان رشتی در رفت و آمد و مراودات خود از پتانسیل ابزاری و سخت افزاری بهره بردند به گونه‌ای که نقشه سقوط سردار افخم در قفقاز کشیده شد. با این مقدمه لازم است پیش از پرداختن به حزب اجتماعيون عاميون بسترهای اثرگذاری و اثرپذیری روسیه را مورد بررسی قرار دهیم.

۱.۲.۶ نقش و اثر فکری مبارزاتی روسیه انقلابی بر تشکل‌های مشروطه‌خواه گیلان

در این بخش پیش از پرداختن به فرآیند بسیج منابع در قالب انجمن‌ها و احزاب فعال در گیلان که ضمن برپایی کودتا و شورش علیه حاکم منصوب محمدعلی شاه در رشت توانستند

مقدمات حرکت و فتح تهران را فراهم نمایند می‌بایست به اثرپذیری حزب اجتماعیون عامیون از روسیه انقلابی پرداخت. این شورش‌ها در منطقه گیلان و آذربایجان که مستقیم تحت تاثیر جریان اندیشه ای رادیکال قفقاز روسیه بودند به طور چشمگیری برجسته تر بودند. همچنین آن‌ها از یک سابقه طولانی از مبارزات اجتماعی در میان صنعت گران و مغازه داران کوچک (پیشه‌وران) که اصناف خود را حمایت می‌کردند بهره می‌بردند و یک سنت اتحادی بین صنعت‌گران، فقیران شهری و دهقانان فقیر بود (Janet, ۲۰۰۹: ۳۷).

قدرت رسمی روسیه از یک سو دشمن مشروطه ایرانی بود. روسیه ضمن تلاش برای بقای استبداد محمدعلی شاه از سوی دیگر بستر تولید و تربیت گروه‌های انقلابی و مبارز به حساب می‌آمد. بدون توجه به وجود جریانات فکری و سیاسی در روسیه و انتقال آن مفاهیم به درون کشور تحولات گیلان به درستی قابل درک نخواهد بود. گیلان مهم ترین راه ارتباطی ایران به اروپا بود. احداث جاده رشت - تهران، ایجاد بندر در انزلی و راه اندازی خطوط کشتی‌رانی توسط روسیه، گیلان را به دروازه اروپا مبدل کرد. تبدیل گیلان به دروازه اروپا، سبب ورود و خروج مسافران از طبقات مختلف اجتماعی شد. رونق تجارت و صنعت، اقتصاد نامناسب، نفوذ روس و فشار بر آرامنه قفقاز از جمله عواملی بودند که بسیاری از اهالی ایران به روسیه مهاجرت نمایند و در مقابل بسیاری از اهالی روسیه نیز به ایران مهاجرت کنند و چون این افراد اغلب از تجار، آزادی خواهان و روشنفکران بودند توانستند در بیداری مردم نقش ایفا کنند. حضور روس‌ها در گیلان و برخورد جسورانه آن‌ها با مردم گیلان، روحیه بیگانه‌ستیزی اهالی که از گرایش‌های مذهبی و ملی نشأت می‌گرفت را تقویت نمود.

در پیدایش افکار جدید و اندیشه‌های سیاسی، مهم ترین نقش را قفقاز و آزادی خواهان این منطقه به عهده داشتند. افکار سیاسی که در روسیه و غرب شکل می‌گرفت و بر افکار مردم قفقاز موثر بود، بر اندیشه‌های ضد استبدادی آزادی خواهان گیلانی نیز تاثیر گذاشت. «شکست کشور تزارها از ژاپون آسیایی و زان پس انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در سراسر ایران به ویژه گیلان و آذربایجان تاثیر ژرفی داشته بود» (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۴)

در آن دوره دو نشریه فارسی به نامهای «نوروز» و «حقایق» در باکو به طبع می‌رسید و روزنامه‌ی ارشاد آن شهر نیز ضمیمه ای فارسی داشته که به کوشش ادیب الممالک فراهانی انتشار می‌یافت. به علاوه در شهرهای قفقاز جرایدی هم چون روزنامه‌ی «ملانصرالدین» به زبان ترکی منتشر می‌شد که خوانندگان بسیاری داشت. نکته جالب توجه این که گروه‌های متأثر آن سوی مرز در دورانی که مردم ایران هیچگونه آشنایی با هنر تئاتر و اهمیت و نقش آن

در ترقی فکری جامعه نداشتند به رشت و انزلی می آمدند و برای مردم برنامه های جالب اجرا می کردند (سردار محی ۵۹) گروه های تئاتر قفقاز و باکو به رشت و انزلی می آمدند و برای مردم برنامه های جالب اجرا می کردند و از طریق این نوع نمایشات بیش از هر چیز افکار مردم گیلان به سوی دنیای متمدن آن روز گشوده می شد. برای گسترش افکار نوگرایانه، نخستین نمایش مدرن در سال ۱۳۰۳ ه. ق / ۱۸۸۵ م در رشت به صحنه آمد و به دنبال آن مدرسه و سالن تئاتر کوچکی با همکاری روشنفکران ارمنی، در محوطه کلیسای ارمنه رشت به تاریخ ۱۳۰۵ ه. ق / ۱۸۸۷ م احداث گردید.

آغاز ارتباط ایران و روسیه از طریق گیلان، تجاری بود و به قرون اولیه اسلامی بر می گردد. در دوره صفویه، با شروع تحولات جدید در روسیه، زمامداران آن نفوذ در سرزمین های همسایه از جمله ایرات را برای توسعه لازم دانستند. ضعف حکام ایرانی از اواخر صفویه تا پایان قاجاریه، این امکان را به روسیه داد که نفوذ و حضور خود را در ایران به خصوص گیلان مسجل کند. روس ها با تهاجمات نظامی و برقراری مراودات سیاسی و اقتصادی بر منطقه مسلط شدند. این نفوذ و حضور مستمر، ارتباط بین گیلانیان با روسیه و حتی کشورهای اروپایی را گسترش داد و سبب بیداری افکار و اندیشه آنان شد و تحولاتی را رقم زد. «جاده انزلی - رشت - تهران و بندر بازسازی شده انزلی اهمیت مهمی به گیلان به ویژه محور انزلی - رشت به عنوان دروازه ورودی کشور در آغاز قرن بیستم بخشید.» (عظیمی دوبخشری، ۱۳۸۱: ۹۱) ایران برای اولین بار هنگامی طعم قدرت روسیه را چشید که پتر کبیر به فکر گسترش اقتدار روسیه در سمت دریای سیاه و قفقاز افتاد. روسیه در آغاز ناگزیر بود در اشتهای خود برای تصرف بخش هایی از خاک ایران، رقیب خود عثمانی را نیز سهیم کند. هر دو کشور خواستار آن بودند که غنائم جنگی خود در ایران را تقسیم کنند. اما در اواخر قرن هجدهم، قدرت ترکیه برای رقابت با روسیه در نفوذ به مرزهای ایران کاهش یافت. در این هنگام بریتانیا به رقیب عمده ی روسیه برای توسعه ی امپراطوری آسیائی تبدیل می شد. از این زمان به بعد، گسترش نفوذ روسیه در ایران، به صورت نموداری صعودی در آمد، در سال ۱۹۰۰، روسیه قدرت خارجی مسلط در ایران بود. نفوذ روسیه و مداخله ی همیشگی این کشور در امور داخلی ایران در دوران های تزاری، در روان ایرانیان به روشنی حک شده است. در دوران معاصر فقط بریتانیای کبیر است که همراه با روسیه بزرگترین کنترل استعماری را بر ایران اعمال کرده است. (فولر، ۱۳۹۴: ۱۶۰) نفوذ افکار سیاسی - اجتماعی قفقاز در گیلان سبب شد که فعالیت های مشترکی بین آن ها صورت گیرد. کتاب آبی در گزارش ۲۴ آوریل ۱۹۰۷ خود

آورده است: «چون در باکو ملاحان خط انزلی، باکو دست از کار کشیده بودند تا مدتی حرکت کشتی به تعویق افتاد و عاقبت قایقچیان انزلی نیز محض همراهی با ملاحین باکو تعطیل نمودند.» (بشیری، ۱۳۶۷: ۳۷)

تحركات در مناطق شمالی ایران از دوره وزیر مختاری هاردینگ و جریان اخذ وام برای مسافرت سال ۱۹۰۳ مظفرالدین شاه شدت یافت. در آن زمان برای نخستین بار هاردینگ پیشنهاد کرد شیلات خزر وثیقه وام مورد نیاز شاه باشد. شمال ایران به طور سنتی حوزه نفوذ روسیه محسوب می شد و اگر پیشنهاد هاردینگ تحقق پیدا می کرد، انگلیس جاپایی در منطقه نفوذ روسیه به دست می آورد. در این زمان انگلیسی ها در خاندان های محستم و ملاک گیلان نفوذی بی سابقه پیدا کردند. هاردینگ از یکی از اشراف گیلان که دو نشان معتبر سنت مایکل و سنت جورج داشت سخن می گوید که یا در دوره ماموریت او و یا پیش تر از حکومت بریتانیا دریافت کرده بود. نشان ها خود بهترین حلال مشکلات دارنده آن بود. (عظیمی، ۱۳۹۶: ۵۳۵)

همجواری و نزدیکی با محیط افکار سوسیال دموکراسی قفقاز و روسیه، حضور تعداد زیادی از گیلانی ها به عنوان بازرگان و کسبه و عمدتا کارگر در شهرهای قفقاز و به ویژه باکو و نیز رفت و آمدهای انقلابیون روسی و قفقازی به گیلان به دلایل سیاسی و امنیتی همگی شرایطی فراهم آوردند تا افکار و اندیشه های انقلابی و سیاسی در سرزمین گیلان به تدریج گسترش یابد. محی ۵۸ کریم کشاورز می نویسد: در سال ۱۹۰۵ نزدیک هفت هزار کارگر و بازرگان و پیشه ور آذربایجانی و گیلانی در باکو اقامت داشتند و قریب یک پنجم کارگران نفت باکو ایرانی بودند. آمد و شد و مکاتبه اینان و دادوستد کالا چشم و گوش مردم را می گشود و ملت را بیدار می کرد. (کهنسال، ۱۳۹۴: ۵۸) تعداد روس ها که به طور ثابت اینجا (انزلی) اقامت دارند کم است. در طول ماه های فوریه، مارس و آوریل که فصل صید ماهی های خاویاری است نیروی کمکی ۳۰۰ نفری از آستاراخان می رسند. (هولمز، ۱۳۹۰: ۱۲۳) دهقانان فقیر شده، پیشه وران و افراد سایر طبقات مردم ایران، سال به سال به طور دسته جمعی به بنادر خزری و شهرهای ناحیه ولگا روی می آورند. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۸) مهاجرت توده های ضربه دیده ایرانی از ایران به قدری شدید و سریع بود که دولت ایران نمی توانسته از سرعت مهاجرت این افراد جلوگیری به عمل آورد. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۸) تجارت ابریشم آن پررونق و همه ساله مقدار معتنا بهی صادرات دارد، در حال حاضر این تجارت پرمفعت دست روس ها است.

درک این نکته اهمیت دارد که درگیری روس - ایران از نوع منازعه‌های نمونه‌واری نیست که میان دو دولت بر سر قلمروهای مورد ادعای تاریخی هر دو طرف پیش می‌آید. امپراطوری روسیه در حرکت به سمت مناطقی که هیچ‌گاه اسلاو با روس نبوده‌اند، آشکارا در موضعی تهاجمی قرار داشت. این مناطق طی سال‌های متمادی با تحت کنترل ایران بودند، و یا زیر نفوذ فرهنگی نیرومند این کشور قرار داشتند - به رغم این واقعیت که طی هزار سال گذشته بیشتر بخش‌های آسیای مرکزی بتدریج ترک زبان شده بودند. ایرانی‌ها هنوز این اسحسا تلخ را دارند که در مقابل روسیه سرزمین‌های پهناوری را از دست داده‌اند. روسیه می‌توانست با اتخاذ استراتژی اعمال نفوذ سیاسی غالب در شمال ایران، بجای انضمام خاک این کشور، از رویارویی نظامی با بریتانیا اجتناب ورزد. در واقع روسیه اغلب سال‌های قرن نوزدهم در چنین موضع مسلطی قرار داشت، و با بهره‌گیری از این موقعیت منابع نظامی خود را به جاهای دیگر اختصاص می‌داد. نیروهای روسی و عوامل آن‌ها به قدری بر گیلان و نواحی شمالی ایران مسلط شدند که مورد تمجید قرار گرفتند. «وقاحت روزنامه روسی نوویه ورمیا(عصر جدید) به آن‌جا رسید که نوشت ورود عساکر روس را به ایران باید فوزی عظیم برای یارانینان دانست چراکه دستگاه اداریشان را از هرج و مرج نجات بخشیده‌اند.» (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۳۱)

۲.۲.۶ تاریخچه و مواضع اجتماعیون عامیون شعبه رشت

فریدون آدمیت معتقد است: شعبه‌ی اجتماعیون عامیون رشت، بعد از تهران، از مهم‌ترین و فعال‌ترین شاخه‌های آن فرقه بود (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۰) از دیگر گروه‌های حمایت‌کننده‌ی دهقانان گیلان، فرقه‌ی اجتماعیون عامیون بود. هیچ‌یک از روزنامه‌نگاران عضو فرقه‌ی اجتماعیون مانند میرزا ابوذر وقایع‌نگار روزنامه‌ی حبل‌المتین به جنبش دهقانان گیلان توجه نشان نداد. او در مقالاتش از ظلم مالکان گیلان به دهقانان بسیار صحبت می‌کرد. (یزدانی، ۱۳۹۲: ۲۳۷، ۲۳۸) اجتماعیون عامیون گیلان دارای شاخه‌های مختلفی در گیلان بودند. از میان آنها؛ «فرقه مجاهدین رشت» که معز السلطان از نمایندگان فعال و اصلی آن به شمار می‌رفت، از اهمیت زیادی برخوردار بود. در واقع «فرقه مجاهدین رشت» فعال‌ترین انجمن سیاسی هوادار مشروطیت در گیلان بود که در شهرها و بخش‌های مختلف گیلان موفق به تاسیس شعبات سازمانی شده بودند. شعار این انجمن که در پای‌اعلامیه‌ها و اعلان‌های آن دیده می‌شود، «حریت» و «مساوات» بود.

ترکیب اجتماعی آن‌ها را می‌توان این گونه دانست: سازمان اجتماعیون قفقاز از بازرگانان و دکان داران کوچک، کاسب‌ها، و به ندرت پیشه‌وران و کارگران تشکیل شده بود. در شعبه‌های درون کشور بازرگانان، واعظان، و لایه‌های میانی جامعه چیرگی داشتند. مجلس عمومی تبریز، وابسته به مرکز غیبی، اصناف و پیشه‌وران را به خود جلب کرد. اعضای مجلس عمومی تهران را به طور عمده روشنفکران برخاسته از لایه‌های متوسط و کارمندان دولت و واعظان می‌ساختند. به این ترتیب - برخلاف احزاب سوسیالیست اروپایی که پایه کارگری داشتند - اجتماعیون قشراهای سوداگر، روشنفکران سنتی و جدید، دکان داران و پیشه‌وران را در بدنه خود گرد آوردند. به داوری بلووا، فرقه اجتماعیون عامیون در حکم جناح انقلابی خرده بورژوازی بود. به سخن دیگر، آن فرقه را نمی‌توان سازمانی کارگری دانست (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

رایینو که در فاصله سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ میلادی در رشت به عنوان کنسول دولت انگلیس حضور داشته است درباره تشکیلات فرقه رشت چنین نوشته است: این فرقه در مجمع دارد: یکی علنی و دیگری مجمع سری با قانون سخت. اعضای فرقه قسم می‌خورند که جای مجلس (سری) را بروز ندهند. همچنان اگر یکی از آنها چیزی بروز داد او را از میان برمی‌دارند. فریدون آدمیت بر این باور است که احتمالاً شعبه‌های کمیته اجتماعیون و یقیناً سه شاخه آن در تهران، رشت و تبریز هیئت‌های ترور داشتند و مخالفان خود را از سر راه برمی‌داشته‌اند. نقشه‌های تروری که در دوران انقلاب مشروطیت سردار محیی در رشت و حیدر خان عمو اوغلی در تهران و آذربایجان اجرا کردند، از آن نوعند.

پیچیدگی وضعیت اجتماعیون گیلان، دست کمی از تبریز نداشت. چگونگی تشکیل شعبه رشت چندان روشن نیست. بنا به گزارش رایینو یک شخصی نماینده‌ی مخصوص می‌گویند روز قبل، از بادکوبه آمد. این گزارش به دسامبر ۱۹۰۶ / ذی‌قعدة ۱۳۲۴ / دی ۱۲۸۵ مربوط می‌شد مقصود از (نماینده‌ی مخصوص)، فرستاده‌ی اجتماعیون قفقاز بود. این نماینده از قفقاز آمده بود تا شعبه‌ی سازمان خود را در گیلان راه بیاندازد. در این کار کامیاب هم شد (عظیمی، ۱۳۹۴: ۳۲۸) از این رو رایینو در یادداشت روز ۳۱ دسامبر [۱۰ دی] خود نوشت: فدایی‌ها، دو مجلس دارند. یکی (عمومی) و در انظار عموم مردم گفتگو می‌کنند و هرکه می‌خواهد می‌تواند در آنجا حاضر شود و یکی (مخفی) که دیگر دارای قانون‌های سخت است. اگر کسی داخل انجمن مخفی می‌خواهد بشود، باید اولاً در کمیته‌ی آن خواهش اجازه‌ی [تقاضای عضویت] دخول کند و کمیته میان خودشان قرعه می‌اندازند، اگر قرعه به

قبولی در آمد، او را با باطوم [باطومی شهری متعلق به گرجستان در کنار دریای سیاه] می‌فرستد که اجازه از آنها بگیرند که آن شخص داخل بشود. اهالی آن مجلس قسم می‌خورند که جای مجلس ایشان را بروز ندهند. هم چنان اگر یکی از آن‌ها چیزی بروز داد او را از میان بردارند. یک شخص نماینده‌ی مخصوص می‌گویند چند روز قبل، از بادکوبه آمد (رابینو، ۱۳۶۸: ۶۵) اجتماعيون رشت دو روزنامه منتشر می‌کردند، یکی به نام مجاهد، دیگری نسیم شمال. اولی مدیر و صاحب امتیاز خود را چنین معرفی می‌کرد: «فرقه مقدس مجاهدین دارالمرز رشت». در سرلوحه روزنامه این آیه می‌آمد: «فضل الله مجاهدین علی القاعدین». سرمقاله شماره یکم روزنامه ابتدا تفسیری اسلامی و شیعی از این آیه و مفهوم «مجاهد» می‌پرداخت. گفته می‌شد که این آیه مبارکه یکی از دلایل مُحکمه در ترجیح علی علیه السلام بر خلفای سه‌گانه است. زیرا امیرالمؤمنین در همه غزوات «مشغول مجاهده و مجادله با کفار بود»، حال آن که «حضرات» در زمره قاعدین [= نشستگان] بودند. اما نویسنده مقاله، مجاهد را در ایران پیش از اسلام نیز می‌یافت: «از دلیری و شجاعت همین مجاهدین بود که قیاصره روم در جلو اسب کیاسره و سلاطین عجم پیاده می‌دویدند.» وی این مفهوم را به دوره اسلامی بسط داد: مجاهدین اسلام از چین تا دریای بالتیک را جولانگاه اسبان شان ساخته بودند. در زمان کنونی، مشروطه خواهان ایران به یاری مجاهدین پیروز شده بودند. سپس نویسنده به مفهوم مجاهد ابعادی جهانی بخشید: مجاهدین در روسیه دوما تشکیل دادند و دارالشورای فرانسه را استوار ساختند. سرانجام، «مجاهد» را چنین کسی دانست: «هواخواه وطن و حافظ پارلمنت.» به این ترتیب، روزنامه مجاهدان (یا اجتماعيون عاميون) را کسانی دانست که اندیشه‌ای جز میهن‌پرستی و هدفی بیش از حفظ مجلس شورای ملی ندارند و در راه این آرمان‌ها جان می‌بازند (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

پیداست که شیوه‌ی سازمانی فرقه‌ی اجتماعيون عاميون شباهت زیادی به شیوه‌ی بلشویکی داشت، یعنی فرقه نیز سازمانی بود با بخش مخفی و بخش علنی که از ابتکارات لنین بود. اما خطاست که بگوییم فرقه‌ی اجتماعيون عاميون یک سازمان بلشویکی بود و یا حتا دیدگاه بلشویکی بر آن غلبه داشت. این فرقه از عناصر بسیار ناهمگونی تشکیل می‌شد و اعضای آن را گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف و حتا طلبه‌ها و علمای مذهبی تشکیل می‌دادند. در واقع این فرقه، ایدئولوژی مشخصی نداشت. در مرام‌نامه‌ی آن‌ها، عناصری از سوسیالیسم، آنارشیزم، نهیلیسم، تروریسم و اعتقادات شیعی و به ویژه لیبرالیسم دیده می‌شد. البته به تناسب موقعیت‌های مختلف جغرافیایی و اجتماعی که این فرقه در آن

استقرار می‌یافت و هم چنین شخصی رهبری کننده‌ی فرقه، مواضع گوناگونی در آن غلبه پیدا می‌کرد. شعبه رشت به کوشش اجتماعيون قفقاز پایه‌گذاری شد. چنان‌که اسپرینگ ریس نوشت: «دستور آن‌ها از هیئت آمده، که در قفقازند، [داده می‌شود.]» مرکز قفقاز تا مدتی نفوذ خود را بر شعبه رشت اعمال می‌کرد. حتی در مواردی، داوطلبان عضویت در این شعبه به سفارش مرکز باکو پذیرفته می‌شدند. نمونه‌اش معزالسلطان و میرزا کریم خان بودند که برای گذر از سد مخالفان محلی، به «کمیته مرکزی قفقاز» مراجعه کردند و از این راه وارد شعبه رشت شدند. اما خواهیم دید که این ارتباط‌ها چندان دوام نیاورد(همان: ۱۵۲)

رابطه گروه‌های انزلی و رشت نیز شکرآب بود. اجتماعيون انزلی مخالف پیوستن معزالسلطان و میرزا کریم خان به شعبه رشت بودند. سرانجام این دو برادر به میانجیگری مرکز قفقاز به عضویت شعبه درآمدند. شعبه انزلی مداخله اجتماعيون قفقاز را ناروا می‌دانست، به همین علت به مرکز باکو اطلاع داد که دیگر از آن پیروی نمی‌کند. اجتماعيون باکو دو نماینده به گیلان فرستادند تا به اختلاف‌های پیش آمده رسیدگی کنند. یکی از نمایندگان حسن محمودزاده زنجان‌ی بود. شعبه انزلی همچنان نافرمانی نشان می‌داد. در آن میان، یفرم آتش بیار معرکه شد. او — که رهبر شعبه گیلان حزب داشناک بود — به اجتماعيون انزلی نزدیک شد. رابطه داشناک‌های گیلان با پسران حاج وکیل تیره بود. شاید اختلاف‌های شخصی میانه‌شان را به هم می‌زد، اما درگیری‌های سیاسی و فکری نیز موجب رقابت آن‌ها با یکدیگر می‌شد. داشناک‌های روسیه خود را نارودنیک می‌دانستند و با حزب سوسیالیست‌های انقلابی هم پیمان بودند و با حزب سوسیال دموکرات روسیه دشمنی داشتند. اینک در گیلان شعبه اجتماعيون عامیون برپا شده بود که خود را سوسیال دموکرات معرفی می‌کرد. داشناک‌ها برخوردارهای حزبی روسیه را به خاک ایران کشاندند و با اجتماعيون درافتادند. این موضوع را نمی‌دانیم که یفرم اجتماعيون انزلی را به مخالفت با شعبه رشت تحریک کرد، یا پس از آن که میان آن‌ها اختلاف افتاد، خواست از آب گل آلود ماهی بگیرد. در هر صورت، او تشکیلات حزبی جدیدی در رشت به وجود آورد. این تشکل خود را از اجتماعيون رشت کنار کشید و گویا شعبه انزلی را به طور کامل در خود جذب کرد. رابطه سازمان جدید با اجتماعيون قفقاز گسست. دو شعبه عمده گیلان تا محرم ۱۳۲۶ / اسفند ۱۲۸۶ به طور کامل از هم جدا شده بودند. در همین تاریخ، اجتماعيون انزلی در نامه‌ای که خطاب به ظهیرالدوله، حاکم تازه از راه رسیده گیلان — نوشتند، اعلام کردند: «شعبه رشت را از وقتی که مستبدین ستم پیشه دخالت نموده‌اند، عاری از مسلک فرقه می‌دانیم.» این نامه گسیختگی

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۳۵

قطعی دو شعبه را نشان می‌داد. اما این نکته روشن نیست که فرقه ای کمابیش مخفی در روزهایی که بحران سیاسی کشور را فرا می‌گرفت، به چه دلیل مسائل داخلی سازمان خود را در برابر حاکم دولتی این چنین می‌گشود (همان: ۱۵۹)

در روزهایی که سردار افخم در تالش به سر می‌برد، بر پایه ی هم آهنگی انجام شده از پیش، شماری از مجاهدین قفقازی با شمار فراوانی جنگ افزار و مواد منفجره از لنکران به انزلی آمدند و در پی آن یک گروه ۳۲ تنه از سوی کمیته های تفلیس و باتومی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه، راهی ایران شدند و پس از رسیدن به رشت در ۳ خانه - خانه های معزالسلطان و معزالسلطنه و آوادیس زرگر - جای داده شدند. آنان باشندگاه های تازه ی خود آغاز به ساختن بمب و نارنجک کردند. در میان آن ۳۲ تا باید از آپولون گلاخوویچ جاپالیدزه، برادریک و برادیان، فئودور توچی لتونیایی، الکساندر چیکپادزه، پانوف بلغاری و تروفیم آندروویچ گونچاروف نام برد. (پرتو، ۱۳۹۳: ۱۱۰) به عنوان مثال چرچیل وزیر مختار انگلیس در ایران در ۲۸ اسفند به هنگام عبور از رشت ملاقاتی با سپهدار تنکابنی داشت و در یادداشتی به نقش قفقازی ها اشاره کرده و چنین نوشت: بر من مکشوف گردید که کلیه ی طرح نقشه ی این هیجان رشت [کودتا] در قفقاز ریخته شده و به توسط عده قفقازی داوطلب که تعداد آن ها بالغ بر ۵۰ نفر نبوده، به موقع اجرا گذارده شده... فعلا علی التخمین عده ی آن ها به ۳۵۰ نفر رسیده. در این ضمن یک عده ی معتابھی از ایرانیان تبعید شده به رشت آمده اند. سه نفر اخوان برادرزاده های سردار منصور که موسوم به معزالسلطان و عمیدالسلطان و کریم خان اند، در عرض این مدت، معیت خیلی نمایانی با قفقازیان نموده اند. (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۲۲)

۷. منافع و سازمان در کنش‌گری انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون شعبه رشت

در دیدگاه تیلی باورهای مشترک در یک گروه به خودی خود به تعریفی از منافع جمعی منجر می‌شود. در نتیجه، منافع یک گروه را می‌توان از تحلیل کلی ارتباطات میان منافع و موقعیت های اجتماعی استنباط کرد؛ و از منظر دوم منافع یک گروه از اظهارات و کنش های کنش‌گران آن گروه قابل استنتاج است. تیلی منافع را امتیازات و محرومیت های مشترکی که ممکن است بر اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید تعریف می‌کند (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۲).

دومین عنصر و متغیر در مدل بسیج منابع تیلی که در شناسایی الگوی رفتاری انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون اهمیت دارد سازمان است. آنچه در مسیر سازمان دهی و بسیج منابع تیلی به آن اشاره دارد، هویت جمعی و یکپارچه است. به هر میزان هویت یکپارچه تر باشد ضمن همراهی با ساختارهای اعتراضی می تواند اتحاد و استحکام ایجاد کند در واقع هر چه اعضای گروه از هویتی یک پارچه تر برخوردار آن گروه سازمان یافته تر محسوب می شود. چارلز تیلی در تعریف سازمان به دو ویژگی مهم و اصلی می پردازد که میتوانند منجر به قوام سازمان دهی باشند:

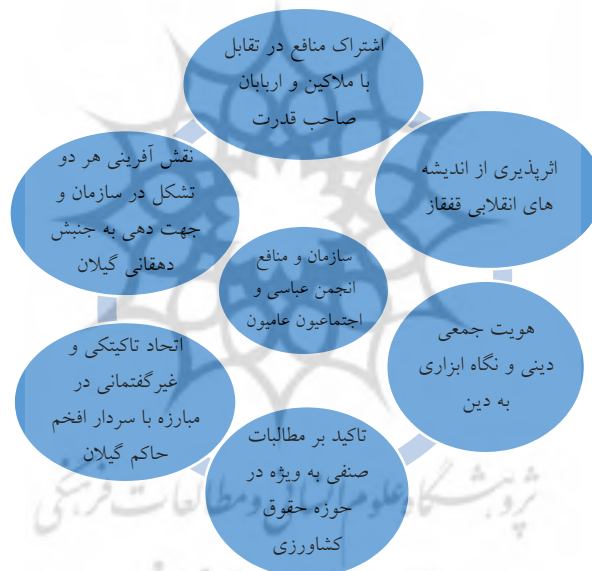
۱- میزان هویت مشترک

۲- ساختار وحدت بخش (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳)

وی برای توصیه این دو مفهوم، از بحث روابط دسته ای و روابط شبکه ای بهره می گیرد. روابط دسته ای، روابط میان افراد حول ویژگی های مشترک است، مانند هویت جنسی، نژادی، ملی، سنی، مذهبی و روابط شبکه ای به ارتباط پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم به واسطه نوع خاص از علقه های بین اشخاص اشاره دارد. ترکیب این دو منجر به پیدایش گروه می شود. به اعتقاد تیلی هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه های داخلی وسیع تری برخوردار باشند، سازمان یافته تر است. (همان: ۹۵) در الگوی تیلی مدعیان قدرت که در تقابل با صاحبان قدرت قرار دارند برای دستیابی به جایگاه سیاسی قدرت باید سازمان دهی را به عنوان یک اصل مهم و اساسی مد نظر قرار دهند. بنا بر مدل بسیج منابع انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون شعبه رشت در این حالت در جایگاه مدعی قدرت قرار می گیرند. وضعیت انقلاب یعنی آن حالتی که مدعی قدرت بتواند قدرت مستقر را به چالش بکشد. کنش گری انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون یک هدف تاکتیکی مشترک دارد. آن غایت تاکتیکی رهانیدن مشروطه گیلان از شر سرکوب شدید سردارافخم است. با حضور سردار افخم در رشت او از همان ابتدا با ایجاد رعب و وحشت، دستگیری سران مشروطه خواه و خفیف ساختن آنان بصورت موقت مشروطه را در گیلان مدیریت و به سمت خاموشی بکشاند. از این جهت باید توجه داشت بین انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون اشتراک گفتمانی مرز رسیدن به هویت جمعی نبود بلکه در اینجا منافع مشترک که عنصر راهبر در مدل بسیج منابع است این دو تشکل را با وجود اختلافات در یک مسیر قرار داد. جهت برشمردن مدل کنش گری این دو تشکل میتوان به شش ویژگی زیر اشاره نمود:

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۳۷

- نقش آفرینی هر دو تشکل در سازمان و جهت دهی شورش دهقانی گیلان (به ویژه مقاومت طالش در برابر سردار افخم و سردار امجد که شکست آنان مقدمه احیا جریانات سرکوب شده در رشت برای کودتا علیه سردار بالاخان بود. هر دو تشکل در تحریک جنبش دهقانی و ایجاد سازمان دهی نقش داشتند).
- اشتراک منافع در تقابل با ملاکین و اربابان صاحب قدرت
- هویت جمعی دینی و بسیج‌کنندگی عنصر دین در فعالیت های انجمن عباسی
- اثرپذیری از اندیشه های انقلابی قفقاز و انتقال آن توسط مهاجران گیلانی
- اتحاد تاکتیکی و غیرگفتمانی در مبارزه با سردار افخم حاکم گیلان
- تاکید بر مطالبات صنفی به ویژه در حوزه حقوق کشاورزی



الگوی شماره دو: مدل بسیج منابع: سازمان و منافع

۷. نتیجه‌گیری

در فرآیند کنش جمعی و نقش آفرینی جامعه براساس مدل بسیج منابع، مردم و جمعیت سیاسی براساس عناصری نظیر هویت مشترک و منافع جمعی دست به اقدام می‌زنند و در وضعیت

انقلابی از خود واکنش نشان می‌دهد. این فرآیند نیازمند بستری به نام سازمان دهی است. اهمیت سازمان از آنجاست که بخش عمده کنش (نه همه آن) توسط گروه‌ها از آن طریق صورت می‌گیرد و از همین رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است.

به بیان دیگر هر چه سازماندهی مخالفین در یک انقلاب بیشتر باشد، بسیج منابع بیشتری در آن حرکت صورت می‌گیرد. سازماندهی مخالفین از طریق بسیج منابع موجب افزایش قدرت انقلابیون می‌شود برای سازمان دهی منابع بسیج نیروهای اجتماعی در مشروطه گیلان، مهم‌ترین بستر عینی احزاب، کمیته‌ها و انجمن‌های فعال در گیلان می‌باشند. دو تشکل انجمن عباسی، اجتماعيون عاميون با این انگاره مورد بررسی قرار گرفتند که بستر سازمان دهی بسیج منابع مدعیان علیه حکومت مستقر همین تشکل‌ها با تکیه بر منافع جمعی و هویت مشترک بوده‌اند. اینجا مهمترین و اصلی‌ترین بستر سازمان دهی بسیج منابع به سمت تصاحب قدرت مدنظر است. سازمان دهی در الگوی بسیج منابع تیلی محور بنیادین در اجرایی شدن و نیل به اهداف می‌باشد. انقلاب مشروطه به شکل‌گیری احزاب، گروه‌ها و کمیته‌ها دامن زد اما در مرحله شکل‌گیری خود متأثر از جدال فکری و مبارزاتی این تشکل‌های متعدد بود. در گیلان این جریان مشروطه خواه به دلیل همجواری با روسیه به نسبت سایر استان‌ها اثرپذیری و فراگیری بیشتری در حوزه اندیشه و مدل مبارزه داشتند. مشروطه گیلان در ابتدا مدل رفتاری و الگوی سیاسی اش برگرفته از مشروطه تهران و تبریز بود. اما با گسترش فعالیت انجمن‌ها، احزاب و کمیته‌های مرتبط با قفقاز به تدریج مدل قفقازی به ویژه در نوع کنش‌گری مسلحانه و بسیج منابع به سمت شورش، کودتا و لشکرکشی سوق داده شد. این الگوبرداری پس از قطع ارتباط تهران و گیلان پس از کودتای محمدعلی شاه بیشتر مورد استقبال مشروطه‌خواهان قرار گرفت. بررسی منافع و اهداف انجمن عباسی، کمیته ستار و اجتماعيون عاميون در فصل چهار با همین رویکرد صورت پذیرفت تا بستر سازمان دهی بسیج منابع در مشروطه گیلان که محل نقش‌آفرینی مردم است نشان داده شود.

برخی از این تشکل‌ها مانند مجاهدین از مبانی سیاسی قوی برخوردار بودند بعضی نیز از نظر مذهبی بسیار محکم بودند مانند انجمن ابوالفضل، انجمن روحانیان، بعضی دیگر هم به لحاظ صنفی و حرفه‌ای بودن جایگاه خاصی در زمینه فعالیت اقتصادی مورد نظر داشتند. این گروه از انجمن‌ها که متجدد و خواهان نوآوری برای انجام تغییرات بودند در مقابل انجمن‌های ملاکین و مستبدین قرار داشتند که طیف خاصی از زمینداران و صاحبان قدرت‌های محلی در آن‌ها شرکت داشتند. انجمن عباسی در مسیر اعتراضات و شورش دهقانی در قالب قیام علیه

خوانین و عدم پرداخت مالیات یا بیرون راندن نماینده حاکم نقش اساسی داشت. در واقع عمده فعالیت انجمن عباسی متمرکز بر سازمان دهی نیروهای مردمی روستاها است. با آن که اجتماعيون قفقاز به تشکیل شعبه های گیلان کمک کرده بودند، اما پیوند آن ها با این شعبه ها رفته رفته سست شد. احتمالاً اجتماعيون گیلان — مانند مرکز غیبی تبریز — نمی خواستند تابع مرکز قفقاز باشند. اجتماعيون باکو دو نماینده به رشت فرستادند تا «رشته مجاهدین رشت را به مجاهدین قفقاز وصل [کنند.]» به اعتقاد مرکز باکو، «باید مجاهدین رشت در تحت اطاعت مجاهدین قفقاز باشند.» شعبه رشت زیر بار این امر و نهی نرفت. اجتماعيون رشت ارتباط خود را با مرکز قفقاز به طور کامل نگسستند، اما اجازه ندادند که گروه شان به صورت شعبه آن مرکز دربیاید.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فردیدون (۱۳۵۵). فکر دمکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت. تهران: پیام.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵) انقلاب مشروطه ایران؛ رضا رضایی؛ تهران: نشر بیستون؛ چاپ اول.
- بشیری احمد (۱۳۶۷) کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، ناشر: نور.
- پرتو، افشین. (۱۳۹۳). مشروطه و گیلان تاریخ رویدادهای گیلان در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه و محمد علی شاه قاجار. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب. مترجم: علی مرشدی زاد. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
- رابینو، لویی (۱۳۶۸) مشروطه گیلان، به کوشش محمد روشن، رشت: انتشارات طاعتی؛ چاپ اول.
- عظیمی دویخسری، ناصر. (۱۳۸۸) جغرافیای انسانی و اقتصادی گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا.
- عظیمی، ناصر (۱۳۹۶). تاریخ گیلان از ورود شاه عباس اول به گیلان تا پایان انقلاب جنگل. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فاخته، قربان، (۱۳۸۶). نگاهی به گیلان زمین. تهران: نشر لوح زرین.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱) گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، چاپ سوم.

فرهادی، احسان. تحلیلی جامعه‌شناختی از منافع گروه‌ها در انقلاب مشروطه، نشریه جستارهای سیاسی، بهار ۱۳۹۲ سال چهارم.

فولر، گراهام (۱۳۹۴). قبله عالم ژئوپلتیک ایران، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، ویراستار: احمد بشیری، ناشر: نو

کشاوری، کریم. (۱۳۷۱). نهضت جنگل (اسناد محرمانه و گزارش‌ها) تهران: سازمان اسناد ملی.
کهنسال و اجارگاه، حسین. میرزایی، طاهره. (۱۳۹۴) نقش سردار محیی در تحولات گیلان عصر مشروطه و جنبش جنگل. رشت، ناشر: بلور

نش، کیت (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران:

هولمز، ریچارد. (۱۳۹۰). سفرنامه‌ی ساحل خزر. ترجمه شبنم حجتی سعیدی. رشت: فرهنگ ایلیا.

یزدانی، سهراب (۱۳۹۲) اجتماع‌یون عامیون تهران: نشر نی.

Diani, Mario. 1992. The concept of Social Movement. Review 40: 1-37. Edinburgh University Press.

Janet Afary, Peasant Rebellions of the Caspian Region during the Iranian Constitutional Revolution, 1906–1909 Published by Cambridge University Press: 29 January 2009.

Olson, Mancur. 2002. The Logic of collective Action. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Taylor, Verta. 1984. Collective Identity in Social Movement Communities. New Haven, CT: Yale University Press.